

صاحب امتیازی :
شهبندر زاده قلبه لی
امید ملی

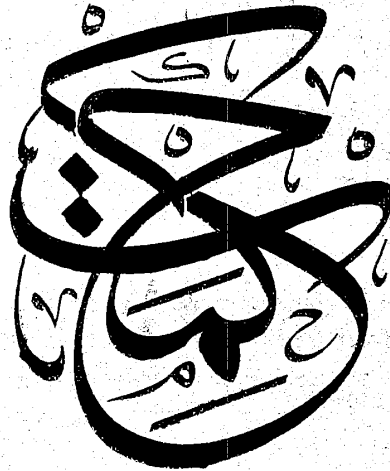
اداره و تحریر محلی :

جفال اوغلی جاده سنده دائره مخصوصه در .
مخابرات صاحب امتیاز ایله جریان ایتلیدر .

نسخه سی هر پرده

۲۰ باره در .

۲۵ ربیع الآخر ۳۲۸



وَلَمْ يَخْشَ الْإِنشَاءَ وَلَا الْإِنشَاءَ : إِنَّا جَاءَنَا بِالْحَقِّ وَالْحَقِّ

شرائط اشتراك :
سنه لکي ۳۰ ، التی آیلنی
۲۰ غرور

ممالك اجنبیه ایچون :

سنه لکي ۱۰ التی آیلنی ۶ قرائقدر . اعلانات
ایچون اداره مأموری محمد ذهنی بکه مراجعت ایتلیدر .

۱۸ اغستوس افرنجی

۱۹۱۰

۲۲ نیشان ۱۳۲۶

بوکون اوروپا یار اقتصاداً حاکم اوقای ایسته یورل ، اولورلرده و بویه کیدر لسه بئتون اوله جقلرده ، اکر بویه اولورسه بزم حاکمتیز ، بزم مالکیتیز نرده قاله جق ؟ ..

محترم وطنداشلرم یلک اپی بیولورل و بیلملیدرکه دنیاده حاکیت ، حاکیت حقیقه ، حاکیت اقتصادیه در . حاکیت اقتصادیه مستند اولمایان حاکمت سیاسییه بوز اوزرینه یازیلان یازی کیدر . بوکون دکلسه یارین ، یارین دکلسه او برکون محکوم قنادر ، ذاتا مسلماندندرکه مادیاته مستند اولمایان معنویاتک حکمی یوقدر . سیاست منویلدن عبارتدر ، انک عل و اساسی ایسه اقتصاددر . اقتصاده مستند اولمایان سیاستک هیچ حکمی یوقدر ، بوندن طولانی درکه سیاسته اقتصاد عینی معناده در . دیمشادر . یلکده بلوغری سوبلشادر .

اکبر بوزوطن معززمنی ، ملت نخبه منی سوبیور ایسک ، آنک نمالینسی و ترقیسنی ارزو ایدیور ایسک ، آنک اقتصاداده ترقیسنه ، نمالینسیه چالیشمیز . حتی بو اوغورده برآن ، برقیقه بی بیله غالب ایتمه لی یز . چونکه او آن ، اودقیقه نیک اعدا سی ممکن اولدی بی کی کورمکه اولدیغیز ضرر لرلده نلافیسی همان همان غیر قابل در .

وطنمزدن خارجه کیدن بر آلتون بردها که مک اوزره کیدریور . بئتون احتیاجاتیزی خارچ دفع ایدیور . ثروت ملیه آزالور . محو اولور . بو حال بویه دوام ایدرسه هیچ ده قالمای جق . وقتیه اجدادمنک جان بهاسنه طولایوب بو مملکته ، بو مبارک وطنه کتیردکری ثروت [۱] نرده ؟

آنلرک قزاندقاری بوکونه قدر بزی ایله دی . فقط بوندن صکره بسایه من . بسایه میه جکدر . بوکون بزه لایق اولان غائب ایدیکمز او توتی برینه کتیرمک ، بو مملکتی بوکوزهل سوکیلی وطنی آنلرک زماننده اولدی بی کی مسعود ، مختار ، سفالتدن ، ضرورتدن آزاده برحاله قویمقدر . بوکون بزه دوشن وظیفه ، سفیل و بریشان قالمش اولان محترم ماتمیزی ترفیه ایتمکدر . آنلرک خیرالحفی اولدیغیزی بئتون جهان کوسترمکدر .

اجدادمنک شانلی مظفراتی کی بزمده جهانه هر زمان و هر آن حکم سورون ، دوام ایدن میدان حرب اقتصادیه شانلی شانی ظفرل قزاقمزددر . بزی هر درلو استمدادن محروم کورده نلر ، قابلیت تمدنییه مالک دکلدر دیناره تمدنه ده . اقتصادده آنلر قدر مستعد اولدیغیزی ، ذکای عثمانی نیک خارقلر ایجادینه مقته بولندی بی بالفضل بیلدیرمکدر .

وطن بوکون بونی بکه یور ، روح اجدادمنی بونی ایستور ، دوربالم .

ح ۲

شهرای یکانکی

یلک حسن انتباهی میان مسلمانان دراین دوره تازه پیدا و تظاهر شده ، اما بسیار حقیق و حبلی [۱] مقصدمن ثروت منقولدر .

سست وضعیف . از جراید اسلامبول دوسه رساله هفتکی ، مشی و مسلک خودرا میخوانند دردعوت مسلمانان یکانکی و برادری مخصوص دارند و دورنکی رازمیانی بر دارند . درین . درین خصوص دست و قمر را رنج میفرمایند و گفتارهای نفرو آبدار میکنند مرام و مقصود حضرات خیلی بلند و ارجمند است ، ولی باید ملتفت شده بقی بدان عظمت رایایه و شالوده محکم و استوار لازم است . تنها از فضایل اتحاد گفتن و یکانکی را چون فرشته آسمان ستودن کافی نیست . این کلمات هممانی همه از بدیهیات است ، هر فرد روستائی و هر عوام شهری را اگر از مفاد و مدلول آن الفاظ بیروند . بیدرنگ میستاید و بازبانیکه دارد چیزی هم بر مناقب آنها میفزاید . نگارنده راقصد اعتراض نیست ، بلکه باید انماض رفقا میخوانم عرض کنم که یسوق از شروع بکار ناچارند مقدمه ترتیب کنند . و کراته این ایوان هایون را خدمت روی کاغذ بنکارند . سپس دست بکار شوند . آن مقدمه کدام است و ؟ مسعود از کز به چیست ؟ شناساندن اقوام و ملل مسالمن است بیکدیگر . میان دومات و قتیقه معارفه و شناسائی نشد ، طرح دوستی ریختن آب بهادن سودن است و کوه بناخن خستن هیچ سوری ندهد و فایده نیفتد .

این هزار سال خواب و غفلت اکنون هم که باره دلسوختگان میخوانند جوشن و جنبشی بکنند نباید زو سبط کار شروع نمایند . پروان این دین خنیف چون از از جهان مختلفه هستند و عصرها از هم دیگر بخیبر مانده اند و بعضی مردم نکوهیده خوی ناستوده منسق هم ، برای برگردن کیه و کاسه خود ایم مقتضای نادانی و جهالت خویش سیاره تاقینات نالایق و سخنان ناموافق آن دوری و مسافت را ترید کرده ، و جمع امت را برون از دائره تصور و قیاس مشتت و پریشان نموده اند . پس مقدم تراز هم چیز باید طرح آشنائی ساخت سپس بوسیله دوستی و مودت پرداخت .

بنده تا معسایه و هم دیوار خود را نشناسم بخویشی و خوشیا او نبردزم . تا شما باحوال و اخلاق رفیق خویش بی نبرید و واقف نشوید باری ساز موافقت نسازید و نرد محبت نیازید . اکثریت جماعت اسلام از روزگار و احوال هم دیگر بخیبرند . و از قریط بخیبری یکی مدیگری را بدیده بیکانه میکنند ، و کاهی شده است که حرکات گروهی را گروه دیگر آب ورنک ، دشمنی داده جوی های خون ناحق ، بخلاف عقل و منطق ، بروی زمین روان کرده اند . اینها وقایعی است که خامه دلشکسته تاریخ برنکشته و چشم انکبار عصر حاضر هم بدین آثار نکوهیده هم روزم ناچار است اگر بخشایم اندکی بوشبیده و در پرده کوئیم ، موجب اصلی این کردارهای ناگوار را جزیه نبودن آشنائی و معارفه کافی بجهیز متوایم حملی نمود ؟

هنوز میان ایرانی و عثمانی واسطه مخبره مفقود است ؛ و راه جریان کارهای داخلی این دومات بروی هم دیگر مسدود . هر یک بخواد اطلاعی از آن

دیگر حاصل کند باید رجوع بایار نماید ؟ از قاصدناحرم چه میتوان فهمید ؟ هیچ . دوماکی که تخمین هفتصد کیلو متر از ای دیوار همسایگی ، و هزار قسم بیوستگی مادی و معنوی داشته باشند ، یکاواست کدرشته مخبره را محصور داشته و بدست بیکانه سپارند ؟

چرا باید علما و فضلاء آنها ملاقاتهای مهم نکنند عوام و خواص آنها در حال تماس نباشند ؟ و کلام معومین ملتین و پرو باز دید نمایند ؟ هیئت های صناعی و تجاری آمده شدند نکنند با

از همه بالاتر روزنامه های طرفین که زبان و ترجمان ضایر ملاتر ، چرا باید به بیان ساده افراد این دو جمعیت راهمدیگر نشاناسند ؟

حالا شما بقدر قوه فریاد بزنید و از محسنات اتحاد بشمارید چه سود و ثمر خواهد داد ؟ روزنامه نگاران ایتالیا با همه دوری وقت مناسبات بطهران مخبر فرستادند . ولی مطبوعات عثمانی و ایرانی هنوز دروغ های [طمس] و [ورمیا] را اقتباس میکنند . و با آن مناسبات ناخودآورد بهین مقدار محدود کفایت مینمایند .

چونیکه کار و کردار این دولت مستقل که در عالم اسلامیت قدر و منزلتی مهم دارند بدین راه و روش باشد روزگار سایر اقوام اسلام که ، بعض نیم مستقل و باره متبوع اجانب هستند معلوم است که چگونه و تاجه [ما بعدی وارا] علی اصفهانی

تشکرانمز و تمناآمز

هر طر فردن ناچیز خدمتجیسی بولوندیغمز امل مقدسک بو بوکلکیله جداً متناسب ، و طنز و ورانه و حیثیتدانه خطابه لره هدف اولیورز ، بومیانده حدمنک ، استحقاقنرک چوق فوقده تلطیفاته دخی دخی مظهر ایدیلوروز .

بزی التفات و نشو و قناترله مباهی بو یوران ذوات کرامه تکرار غرض تشکرلر ایدرز . بوجریده ، بر شخصک ، بر فکر قصیر و منحصر و محصورک مالی دکل ، بوامت مبیجه نیک معروض افکار و آمالیدر . امتک مالیدر .

بعض مکتوبلرده در میان ایدیان افکاری اوقدر اطرافرالی و شعولانی بولیورز که بونلرک مقاله شکنده ارسالی تمئیدن واز یکهمیورز . صدور عظامدن حیدر منلا بک اقدی حضر تاریک ارشاداتلری سرتاج قبول ایدنک .

بروسه دن احمد فیضی و قریبی حاجی حمدی اقدیلردن الدیفنم مکتوب هیئت تحریریه منزه طمانی تأثیر و بردی ، محمد عبدالفتاح عبدالکریم مرغیلانی اقدینک نیجه حقایق جامع اولان مکتوبی انتباه عمومی مایمزه برهان جایدر . کرک بوقار داشلر منزه و کرک بزی خدمتجیسی بولوندیغمز امت مبیجه حرمته شایان تالطیف بولان بالجله اخوان کرانمز تکرار تقدیم محظوظیت و شکران ایدرز .